

رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به سوءمصرف مواد در دانش‌آموزان

لقمان ابراهیمی^۱، سید جمال موسوی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان بود. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه پژوهش شامل ۳۱۲ نفر از دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه یک شهر زنجان بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های سبک‌های فرزندپروری، هوش هیجانی و گرایش به اعتیاد استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین برخی از مؤلفه‌های هوش هیجانی با گرایش به سوء مصرف مواد رابطه منفی معنادار وجود دارد. سبک فرزندپروری استبدادی با گرایش به سوء مصرف مواد رابطه مثبت معناداری داشت و سبک فرزندپروری مقتدرانه به شکل منفی و معناداری با گرایش به سوء مصرف مواد مرتبط بود. نتایج حاکی از اهمیت و نقش سبک‌های فرزندپروری و مولفه‌های هوش هیجانی در گرایش به سوء مصرف مواد بود. بنابراین، برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی و مهارت‌های تربیتی برای والدین، می‌تواند رویکردی مناسب در پیشگیری از رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان به ویژه در گرایش به سوء مصرف مواد باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، سبک‌های فرزندپروری، گرایش به سوء مصرف مواد.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. پست

الکترونیک: Jmzanjl@gmail.com

مقدمه

نقش دوره نوجوانی در گرایش به اعتیاد بسیار مهم است. دوره نوجوانی دوره‌ای است که فرزند وابسته به خانواده به فردی مستقل تبدیل می‌شود (زینالی، ۱۳۹۱). نوجوانان مانند بزرگسالان آمادگی پذیرفتن و یا مقابله با مشکلات زندگی را ندارند و برخی از مشکلات عادی برای آن‌ها به صورت شدید و جدی جلوه و تظاهر می‌کند، بنابراین در برابر مشکلات و خطرات احتمالی آسیب‌پذیرتر هستند (حاج حسینی، ۱۳۹۳). از این رو، می‌توان گفت که گرایش و زمینه انحراف و بزه‌های اجتماعی به شکل بالقوه در نوجوانان وجود دارد. اگر محیط برای نوجوان مساعد نباشد به انحراف کشیده می‌شود و در دام آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد گرفتار می‌شود (قنبری طلب، قنبری، طهماسبی و نادری، ۱۳۹۲). استعداد و گرایش به اعتیاد حاکی از آمادگی فرد برای امتحان کردن یک ماده مخدر به صورت موقتی یا دائمی است (بروکی میلان، کمرزرین و زارع، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد که این گرایش در بین دانش‌آموزان نوجوان بیشتر باشد. دانش‌آموزان در این دوره دست به بروز برخی رفتارها و هیجان‌های مشکل‌آفرین می‌زنند. تغییرات زیستی، روانی و اجتماعی در این دوره می‌تواند در رشد چنین رفتارها و هیجان‌هایی تأثیر داشته باشد (حاج حسینی، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های انجام‌شده (شهنی بیلاق، مکتبی، شکرکن، حقیقی، کیانپور قهقرخی، ۱۳۸۸؛ قنبری طلب و همکاران، ۱۳۹۲) نشان می‌دهند که یکی از عوامل مؤثر در گرایش افراد به اعتیاد، فقدان هوش هیجانی است. بهرامی نژاد، بیرانوند، زارع و ارنواز (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط هوش هیجانی و گرایش به اعتیاد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان روی تعداد ۲۲۳ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان به این نتیجه رسیدند که افراد با هوش هیجانی پایین‌تر، تمایل بیشتری به سوء مصرف مواد دارند. هوش هیجانی می‌تواند عامل پیشگیری در اعتیاد محسوب شود. هوش هیجانی با سوء مصرف مواد رابطه‌ای معکوس دارد و می‌تواند در پیش بینی گرایش دانشجویان به مواد مؤثر باشد. تحقیق هانس و بیانچی^۱ (۲۰۰۹) نشان داد افرادی که دارای هوش هیجانی

بالا تری هستند، میزان انحرافات اجتماعی مانند پر خاشگری، اعتیاد به الکل و مواد مخدر در آنان کمتر است. نتایج پژوهش تربریگ، یونگ، سالیوان و لایور^۱ (۲۰۰۹) حاکی از آن است که بین مصرف الکل و نمره بالای ناگویی خلقی رابطه مستقیمی وجود دارد. پژوهش ناطق و میناکاری (۱۳۸۷) نشان داد که هوش هیجانی افراد معتاد از افراد غیر معتاد همتای خود پایین تر است.

اعتیاد نوعی بیماری زیستی، روانی و اجتماعی است و عوامل متعددی در سبب شناسی آن مؤثر هستند که در تعامل با یکدیگر منجر به شروع مصرف مواد و سپس اعتیاد می شوند. عوامل مؤثر بر فرد، محیط خانوادگی فرد و عوامل اجتماعی، عوامل درهم تنیده ای هستند که بر یکدیگر تاثیر می گذارند. در این میان به نظر می رسد که نقش سبک های فرزند پروری والدین در گرایش به اعتیاد نوجوان تعیین کننده باشد. هر خانواده شیوه های خاصی را در تربیت فردی- اجتماعی فرزندان خویش بکار می گیرد. این شیوه ها که شیوه های فرزند پروری نامیده می شود، متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل زیستی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. مکویی و مارتین^۲ (۱۹۸۳) معتقدند که سبک های فرزند پروری بر اساس دو مشخصه میزان توقع و پاسخ دهی طبقه بندی می شوند. توقع به این اشاره دارد که والدین، رفتار پخته را از فرزندان خود انتظار دارند و پاسخ دهی به این اشاره دارد که والدین گرمی عاطفی و پذیرش نشان دهند و خود را درگیر کارهای کودکان کنند. بر این اساس، سه سبک مستبد، سهل گیر و مقتدر را معرفی کردند. در سبک مستبدانه، والدین بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تأکید می کنند. این والدین با فرزندان خود کمتر گرم و بامحبت هستند، فرزندان خود را بسیار کنترل می کنند، از قدرشان استفاده افراطی می کنند و به فرزندانشان اجازه مخالفت با تصمیمات و قواعد خود را نمی دهند و کمتر با آنان گرم و مهربان هستند. والدین سهل گیر، رابطه صمیمی و بامحبتی با فرزندان خود دارند، ولی راهنمایی و انضباط لازم را که به فرزندان آنها کمک می کند تا مسئولیت را یاد گرفته و ملاحظه دیگران را بکنند، تأمین نمی کنند.

فرزندان دارای والدین سهل‌گیر گرایش دارند که ناپخته‌تر و خودمحورتر باشند. والدین مقتدر، معمولاً با فرزندشان بامحبت هستند و با آن‌ها رابطه گرم و صمیمی برقرار می‌کنند. این والدین ضمن کنترل منطقی فرزندشان از آنان توقع رفتار عاقلانه و منطقی دارند (پلیرین^۱، ۲۰۰۵). فرزندان والدین مقتدر، شایستگی‌های شناختی و اجتماعی بالاتر، احساس سلامت روان شناختی بهتر و تعاملات بین فردی بهتری با دیگران دارند. فرزندان والدین مستبد، دارای مشکلات رفتاری هستند و عزت نفس پایینی دارند. فرزندان والدین سهل‌گیر، انگیزه پیشرفت پایین و درگیری پایین با مسائل تحصیلی دارند. مصرف مواد، بین جوانانی که به خانواده‌های ناخرسند تعلق دارند، بیشتر از خانواده‌هایی است که محیط شادی دارند. در خانواده‌های ناخرسند والدین علاقه‌ای به فرزند خود ندارند و به تنبیهات بدنی شدیدی متوسل می‌شوند. ارزش‌های والدین نیز نقش مهمی در استفاده از مواد دارد. در خانواده‌هایی که به ارزش‌های اجتماعی، سنتی، دینی و اهداف درازمدت تأکید می‌شود، نوجوانان گرایش کمتری به مصرف مواد دارند. پاتوک-پکام و مورگان-لوپز^۲ (۲۰۰۹) دریافتند که والدین سهل‌گیر به طور مستقیم روی روندهای کنترل (عمومی و اختصاصی) و به طور غیر مستقیم در مصرف مواد و الکل در فرزندان نقش دارند. سبک والدینی مقتدر پدر و مادر، با آمادگی به اعتیاد رابطه منفی دارد و سبک والدینی مستبد با آمادگی به اعتیاد، رابطه مثبت دارد (زینالی، وحدت و قره‌دینگه، ۱۳۸۹).

بنابر اهمیت موضوع پژوهش و با توجه به موارد ذکر شده، سوال اصلی پژوهش حاضر این بود که آیا بین مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان متوسطه شهر زنجان رابطه وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

از آنجا که هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان بود؛ بنابراین، روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان متوسطه دوم

ناحیه یک شهر زنجان در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بود. به منظور انتخاب نمونه آماری، از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد. براساس جدول مورگان، حجم نمونه مورد نظر ۳۱۲ دانش آموز تعیین شد که از این تعداد ۱۹۴ نفر (۶۲/۳ درصد) پسر و ۱۱۸ نفر (۳۷/۷ درصد) دختر بودند.

ابزار

۱. پرسش نامه سبک های فرزندپروری: این پرسش نامه بر اساس نظریه اقتدار والدین طبق نظریه بامریند ساخته شده است. این پرسش نامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن شیوه سهل گیر، ۱۰ ماده شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر شیوه مقتدرانه در امر پرورش فرزند را مورد سنجش قرار می دهد. نحوه پاسخ دهی به صورت یک مقیاس ۵ درجه ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) و نحوه نمره گذاری از صفر تا ۴ بود. بوری^۱ (۱۹۹۱) ضرایب پایایی قابل قبولی را گزارش کرده است. به طوری که ضریب پایایی برای مادران قاطع ۰/۷۸، مادران مستبد ۰/۸۶ و مادران سهل گیر ۰/۸۱ گزارش شده است. در پژوهش دبیری، دلاور و صرامی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ برای سبک سهل گیر، مستبد و قاطع به ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۶ به دست آمد.

۲. پرسش نامه هوش هیجانی بار- آن^۲: این پرسش نامه توسط بار- آن تدوین شده است. پاسخ های شرکت کنندگان روی یک مقیاس ۵ درجه ای طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. خرده مقیاس های این پرسش نامه عبارتند از: خود آگاهی هیجانی، خود آزاری، عزت نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع گرایی، انعطاف پذیری، حل مساله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانه، خوش بینی و شادمانی. در ایران ضریب پایایی این پرسش نامه ۰/۷۴ گزارش شده است. میانگین ضرایب پایایی زیر مقیاس ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (دهشیری، ۱۳۸۲، به نقل از فتی، موتابی، شکیب و باروتی، ۱۳۸۷). میانگین ضرایب باز آزمایی خرده مقیاس های آن بعد از یک ماه ۰/۸۵ و

بعد از چهار ماه ۰/۸۵ بوده است (بار اون، ۱۹۹۷، به نقل از دهشیری، ۱۳۸۵).
 ۳- پرسش‌نامه استعداد اعتیاد نوجوانان: این پرسش‌نامه برای ارزیابی میزان استعداد نوجوانان به ابتلا به اعتیاد ساخته شده است. این پرسش‌نامه دارای ۵۰ سوال است. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع دو گزینه‌ای (خیر، ۰ و بله، ۱) است. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، مجموع امتیازات همه سوالات با هم جمع می‌شود. نمرات بالاتر نشان‌دهنده استعداد اعتیاد بالاتر خواهد بود و برعکس. در پژوهش زینالی (۱۳۹۱) روایی ملاکی پرسش‌نامه از طریق اجرای همزمان پرسش‌نامه با مقیاس استعداد اعتیاد ۰/۶۶ گزارش شده است. همچنین پایایی کل پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شده است.

یافته‌ها

به منظور تعیین رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از ضرایب همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ضرایب همبستگی مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به اعتیاد

متغیر	گرایش به اعتیاد	متغیر	گرایش به اعتیاد
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۰۷*	تحمل فشار روانی	۰/۳۷**
انعطاف‌پذیری	۰/۱۵**	استقلال	۰/۱۴**
کنترل‌تکانه	۰/۰۶	همدلی	۰/۱۵*
عزت‌نفس	۰/۲۳**	خود ابرازی	۰/۲۲**
خوش‌بینی	۰/۲۱**	شادمانی	۰/۳۱**
روابط بین فردی	۰/۰۵	حل مسئله	۰/۰۱
واقع‌گرایی	۰/۳۴**	سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۲۶**
خود آگاهی هیجانی	۰/۱۱*	سبک فرزندپروری استبدادی	۰/۲۳**
خود شکوفایی	۰/۳۶**	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۰۱

**p < ۰/۰۱ *p < ۰/۰۵

نتایج حاصل از ضرایب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری

استبدادی و گرایش به اعتیاد رابطه مثبت معنادار و بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با گرایش به اعتیاد رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین مولفه‌های انعطاف پذیری، عزت نفس، خوش بینی، واقع گرایی، خودآگاهی هیجانی، خودشکوفایی، تحمل فشار روانی، استقلال، همدلی، خودابرازی و شادمانی با گرایش به اعتیاد رابطه منفی معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری با گرایش به اعتیاد در دانش آموزان بود. نتایج نشان داد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با گرایش به اعتیاد رابطه منفی معنادار و بین سبک فرزندپروری استبدادی با گرایش به اعتیاد رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش نمره در سبک فرزندپروری استبدادی، نمره گرایش به اعتیاد افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین با افزایش نمره در سبک فرزندپروری مقتدرانه نمره گرایش به اعتیاد کاهش می‌یابد و بالعکس. این نتیجه یا یافته‌های پژوهشی زینالی و همکاران (۱۳۸۹)، بیکونا^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، بار و هافمن^۲ (۲۰۱۰) و گنجی، راهنمای نمین، شریفی (۱۳۹۳) همسو است. یکی از مهم ترین کارکردهای خانواده در تربیت کودک سبک فرزندپروری والدین است. والدین با استفاده از سبک تربیتی سهل گیرانه و یا مستبدانه، زمینه را برای گرایش به اعتیاد فراهم می‌کنند. وقتی والدین با دید سهل گیرانه به تربیت کودک نگاه کنند، میزان کنترل بر کارهای فرزندان کمتر می‌شود و همین امر زمینه آسیب‌پذیری نوجوان در زمینه‌های مختلف به ویژه اعتیاد فراهم می‌کند. نوجوانانی که سبک فرزندپروری والدین آن‌ها مقتدرانه باشد پیامدهای اجتماعی و تحصیلی بهتری را تجربه می‌کنند (هریس و گدال^۳، ۲۰۰۸). این دسته از نوجوانان متکی به خود و سرزننده هستند و انگیزش بالایی برای دستیابی به اهداف خود دارند و بهتر می‌توانند با محیط سازگار شوند در نتیجه کمتر احتمال دارد که به سمت اعتیاد گرایش پیدا کنند. اما نوجوانانی که دارای والدین سخت گیر هستند فرزندانشان

پرخاشگری بیشتر دارند و در روابط خود با همسالان با مشکل مواجه می‌شوند در نتیجه ممکن است هیجانی با مسائل برخورد کنند و به سمت مصرف مواد گرایش پیدا کنند.

نتایج حاصل از پژوهش همچنین نشان داد که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و گرایش به اعتیاد رابطه منفی معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با یافته‌های بهرامی نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، قنبری طلب و همکاران (۱۳۹۲)، هانس و بیانچی (۲۰۰۹)، شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۸۸)، تربرگ و همکاران (۲۰۰۹)، ترینی‌داد، آنگر، چو و جانسون^۱ (۲۰۰۴) و ناطق و میناکاری (۱۳۸۷) همسو است. هوش هیجانی سبب می‌شود که افراد در برخورد با وقایع مثبت یا منفی زندگی، به موضع‌گیری یا سازش با آن وقایع پردازند. هوش هیجانی بالا سبب می‌شود که شخص وقایع منفی کمتری را در زندگی خود تجربه کند. دوره نوجوانی زمانی است که زمینه را برای حضور نوجوان در اجتماع بزرگتر از خانواده فراهم می‌کند که به تبع آن، نیازمند تعامل و ارتباط با اقشار مختلف جامعه است. اگر نوجوان از هوش بین فردی پایین برخوردار باشد، هنگام برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل می‌شود و نمی‌تواند ارتباط صحیح و مسئولانه‌ای در قبال رفتارهای خود برقرار کند. این موضوع می‌تواند نوجوان را به رفتارهای مخاطره‌آمیز از جمله اعتیاد سوق دهد. می‌توان گفت افراد با هوش هیجانی پایین در توجه و ادراک هیجانات، پردازش صحیح و مدیریت مناسب هیجانات در روابط بین فردی با دشواری‌هایی مواجه هستند. این دشواری‌ها، باعث می‌شوند که افراد در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا، توانایی تحلیل، تصمیم‌گیری و انتخاب رفتار صحیح را از دست داده و به سوی رفتارهای سازش نیافته سوق داده شوند. در نتیجه می‌توان گرایش به مواد مخدر را به عنوان یک مکانیزم دفاعی رشد نیافته در نظر گرفت که افراد دارای هوش هیجانی پایین، در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا از آن استفاده می‌کنند. به عبارتی سطح پایین هوش هیجانی که ناشی از ناتوانی در مقابله موثر با هیجانات و مدیریت آن‌هاست؛ در شروع گرایش به اعتیاد نقش دارد. در شرایطی که فرد تحت فشارهای ناخواسته برای مصرف مواد قرار می‌گیرد، مدیریت موثر هیجانات به عنوان یکی از مولفه‌های هوش هیجانی، خطر گرایش به اعتیاد را کاهش می‌دهد. براساس یافته‌های

پژوهش پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی و مهارت‌های تربیتی برای والدین برگزار شود. همچنین هوش هیجانی نیز به دانش‌آموزان آموزش داده شود تا از این طریق بتوانند بهتر مشکلات خود را حل کنند. آموزش هوش هیجانی می‌تواند رویکردی مناسب برای کاهش مسائل رفتاری، کنترل و مدیریت رفتاری دانش‌آموزان باشد و در پیشگیری از رفتارهای پرخطر به ویژه گرایش دانش‌آموزان به اعتیاد موثر واقع شود.

منابع

- بهرامی نژاد، عاطفه؛ بیرانوند، افسانه؛ زارع، سودابه؛ و ارنواز، معصومه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و گرایش به اعتیاد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. *فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان*، ۱۹(۴)، ۱۲۰-۱۱۳
- حاج حسینی، شهین (۱۳۹۳). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و آمادگی برای اعتیاد در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهرستان بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، چاپ نشده، دانشگاه آزاد بندرعباس.
- دیبری، سولماز؛ دلاور، علی و صرامی، غلامرضا (۱۳۹۰). نقش پیش‌بینی کننده سبک‌های فرزندپروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان. *روانشناسی تربیتی*، ۲۰(۷)، ۱۵-۱
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸(۵)، ۹۷-۱۰۶
- زینالی، علی؛ وحدت، رقیه و قره‌دینگه، خاور (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در دانشجویان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۶(۲۳)، ۳۵۲-۳۳۵
- زینالی، علی (۱۳۹۱). گسترش و رواسازی پرسشنامه استعداد اعتیاد- ویراست دانشجویان. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۸(۲۳)، ۸۵-۹۹
- شهنی‌بیلاق، منیجه؛ مکتبی، غلامحسین؛ شکرکن، حسین؛ حقیقی، جمال؛ کیان‌پورقهقرخی، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی تأثیر هوش هیجانی بر اضطراب اجتماعی، سازگاری اجتماعی و هوش هیجانی دانشجویان دختر و پسر. *مجله دستاوردهای روان‌شناختی*، ۱۶(۱)، ۳-۲۶
- فتی، لادن، موتابی، فرشته؛ شکبیا، شیما و باروتی، عصمت (۱۳۸۷). مولفه‌های هوش هیجانی - اجتماعی به عنوان پیش‌بینی کننده‌های سلامت روان. *مطالعات روانشناختی*، ۴(۲)، ۱۲۴-۱۲۱

- قنبری طلب، محمد؛ قنبری، علی؛ طهماسبی کهیانی، فاطمه؛ نادری لردجانی، مریم (۱۳۹۲). رابطه هوش هیجانی با استعداد اعتیاد دانش آموزان پسر دوره پیش دانشگاهی شهرستان شهرکرد. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۱۵(۳)، ۳۳-۳۹.
- گنجی، حمزه؛ راهنمای نمین، مریم؛ شریفی، حسن پاشا (۱۳۹۳). پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد براساس ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزندپروری به منظور ارائه مدلی برای پیشگیری. *مجله اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۹(۳۳)، ۴۷-۵۶.
- بروکی میلان، حسن، کمزرین، حمید و زارع، حسین (۱۳۹۳). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر افزایش خود کارآمدی و بهبود راهبردهای مقابله‌ای در بیماران وابسته به مواد. *مجله اعتیادپژوهی*، ۸(۳۰)، ۱۴۳-۱۵۵.
- ناطق، ابراهیم؛ میناکاری، محمود (۱۳۸۷). مقایسه هوش هیجانی در مردان معتاد به مواد افیونی و غیر معتاد. *فصل نامه اعتیاد پژوهی*، ۲(۸)، ۱۳۴-۱۲۱.
- Bahr, S. J., & Hoffmann, J. P. (2010). Parenting style, religiosity, peers, and adolescent heavy drinking. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, 71(4), 539-543.
- Becoña, E., Martínez, U., Calafat, A., Juan, M., Fernández-Hermida, J.R., & Secades-Villa, R. (2012). Parental styles and drug use: A review. *Drugs: Education, Prevention & Policy*, 19, 1-10.
- Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Hansenne, M., & Bianchi, J. (2009). Emotional intelligence and personality in major depression: Trait versus state effects. *Psychiatry Research*, 166(1), 63-8.
- Harris, A., & Goodall, J. (2008). Do parents know they matter? Engaging all parents in learning. *Educational Research*, 50, 277-289.
- Maccoby, E & Martin, J. (1983). *Socialization in the context of the family, Parent-child interaction*. New York: Wiley, 1-101.
- Patock-Peckham, J. A & Morgan-Lopez, A. A. (2009). The gender specific mediational pathways between parenting styles, neuroticism, pathological reasons for drinking, and alcohol-related problems in emerging adulthood. *Addictive behaviors*, 34(3), 312-315.
- Pellerin, L. A. (2005). Applying Baumrind's parenting typology to high schools: toward a middle-range theory of authoritative socialization. *Social Science Research*, 34(2), 283-303.
- Thorberg, F. A., Young, R. M., Sullivan, K. A. & Lyvers, M. (2009). Alexithymia and alcohol use disorders: A critical review. *Addictive Behaviors*, 34(3), 237-45
- Trinidad, D. R. & Unger, J. B & Chou, C. P & Johnson, A. (2004). The protective association of emotional intelligence with psychosocial smoking risk factors for adolescents. *Personality and Individual Differences*, 36(4), 945-954